



Analyzing The Role Of The Islamic Revolution In Steering Muslim Nations Toward The Revival Of Modern Islamic Civilization: A Cultural Transformation Approach

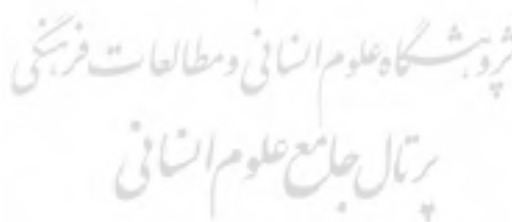
Peyman Mohajeri Jolandan¹, Faraj Behzad Vakilabad^{2*}, Said Hassan Ameli³

(Received Date: 2024/09/11 - Accepted Date: 2024/11/09)

Abstract

The Islamic Revolution of Iran, led by Imam Khomeini and later by Ayatollah Khamenei, brought about fundamental changes in the cultural orientation of Muslim nations, paving the way for the formation of a modern Islamic civilization. This study aims to examine the role of the Islamic Revolution in guiding Muslim nations toward the revival of modern Islamic civilization through cultural transformation. The research methodology is documentary and library-based, employing a descriptive-analytical approach. With the emergence of Islam, a robust and grand foundation of culture and civilization was established, with contributions from various nations and ethnic groups. In this regard, the cultural and political perspectives of the Supreme Leader have played a crucial role in dismantling Western ideologies, reshaping the cultural approach of Muslim nations, and fostering the formation of modern Islamic civilization. This influence has been evident in the Arab Spring and the decline of Western ideologies among Muslim communities. Therefore, analyzing how this role has been fulfilled serves as a step forward in elucidating strategies for Muslims to reclaim their rightful position in the global order.

Keywords: Islamic Revolution, Iran, Cultural Approach, Muslim Nations, Cultural Transformations.



* This Article Is Extracted From The Doctoral Thesis Of 'Peyman Mohajeri Jolandan', Titled "*Explaining And Examining The Relationship Between The Public Effort to Revive The Great Islamic Civilization And The Islamic Awakening From The Perspective Of The Holy Quran*", Under The Supervision Of 'Dr. , Faraj Behzad Vakilabad', & Advisory Of 'Dr. Said Hassan Ameli'.

¹Ph.D. Student, Department Of Quranic Sciences And Hadith, Ardabil Branch, Islamic Azad University, Ardabil, Iran. peymanmhajry@gmail.com

² Assistant Professor, Department Of Quranic Sciences And Hadith, Ardabil Branch, Islamic Azad University, Ardabil, Iran. (Corresponding Author): behzad.f.phd@gmail.com

³ Instructor, Department Of Fiqh And Law, Ardabil Branch, Islamic Azad University, Ardabil, Iran. jabalameli12@gmail.com

واکاوی نقش انقلاب اسلامی در جهت‌گیری ملت‌های مسلمان به سمت احیای تمدن نوین اسلامی با رویکرد تغییرات فرهنگی

پیمان مهاجری جولندان^۱، فرج‌بهزاد وکیل‌آباد^۲، سیدحسین عاملی^۳

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۶/۲۱ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۸/۱۹)

چکیده

انقلاب اسلامی ایران به رهبری حضرت امام خمینی و در ادامه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با ایجاد تغییرات اساسی در رویکرد فرهنگی ملت‌های مسلمان زمینه شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی را فراهم آورد. هدف از مقاله پیش‌رو واکاوی نقش انقلاب اسلامی در جهت‌گیری حرکت ملت‌های مسلمان به سمت احیای تمدن نوین اسلامی با رویکرد تغییرات فرهنگی می‌باشد. روش پژوهش، مطالعه اسنادی، کتابخانه‌ای و از نوع توصیفی-تحلیلی است. با پیدایش اسلام بنای مستحکم و عظیمی از فرهنگ و تمدن انسان پایه‌گذاری شد که در ایجاد آن ملل و نژادهای مختلفی سهیم بودند. در این بین، اندیشه‌ها و دیدگاه‌های فرهنگی و سیاسی مقام معظم رهبری، در شکست ایدئولوژی غربی و ایجاد تغییر در رویکرد فرهنگی در ملت‌های مسلمان و شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی، نقش به‌سزایی داشت و شاهد پیدایش بهار عربی و سرنگونی ایدئولوژی‌های غرب در بین امت‌های مسلمان بودیم. لذا؛ واکاوی چگونگی ایفای این نقش گامی روبه‌جلو برای تبیین شیوه‌های بازگشت مسلمانان به جایگاه واقعی خود در نظم جهانی خواهد بود.

واژگان کلیدی: انقلاب اسلامی، ایران، رویکرد فرهنگی، ملت‌های مسلمان، تغییرات فرهنگی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری «پیمان مهاجری جولندان»، با عنوان «تبیین و بررسی رابطه تلاش همگانی در جهت احیای تمدن عظیم اسلامی با بیداری اسلامی از منظر قرآن کریم»، است که به راهنمایی «دکتر فرج‌بهزاد وکیل‌آباد»، و مشاوره «دکتر سیدحسین عاملی»، استخراج شده است.

peymanmhajry@gmail.com

behzad.f.phd@gmail.com

jabalameli12@gmail.com

۱ دانشجوی دکتری، گروه علوم قرآن و حدیث، واحد اردبیل، دانشگاه آزاد اسلامی، اردبیل، ایران.

۲* استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، واحد اردبیل، دانشگاه آزاد اسلامی، اردبیل، ایران. (نویسنده مسئول):

۳ مربی گروه فقه و حقوق، واحد اردبیل، دانشگاه آزاد اسلامی، اردبیل، ایران.

۱- مقدمه

در قرون اخیر، مواجهه مسلمانان با تمدن غرب تحولات گسترده‌ای در جهان اسلام ایجاد کرد. برخی جوامع اسلامی با حفظ هویت خود به جذب علوم غربی پرداختند، عده‌ای به تقلید کامل از غرب روی آوردند، و گروهی دیگر به مخالفت منفعلانه با مدرنیته پرداختند. در این میان، متفکران مسلمان به بررسی دلایل افول تمدن اسلامی و راه‌های احیای آن همت گماشتند، که نتیجه آن شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی با تکیه بر آموزه‌های دینی و وحدت امت‌های مسلمان بود. این تمدن، برخاسته از قرآن به عنوان منبعی تحرری فناپذیر و منطبق بر فطرت انسان، به بازسازی علوم و هویت اسلامی پرداخت و وعده الهی پیروزی نهایی حق بر باطل را محور حرکت خود قرار داد. قرآن کریم^۱ با تأکید بر غلبه قطعی حق بر باطل (الإسراء: ۱۱)، و حکومت صالحان بر زمین (قصص: ۵)، چشم‌اندازی روشن برای احیای تمدن اسلامی ترسیم می‌کند. به طور خاص، این چشم‌انداز، الهام‌بخش جنبش‌های اسلامی معاصر شد که احیای تمدن نوین اسلامی را در راستای زمینه‌سازی ظهور امام عصر (عج)، می‌دانند. در این مسیر، مکتب تشیع با تکیه بر سیره اهل بیت (ع)، و تلاش‌های علمی علما، نقش محوری ایفاء کرده است. امام علی (ع)، و فرزندانش با پایه‌گذاری علوم اسلامی و تربیت شاگردان برجسته، میراثی علمی و فرهنگی را برای امت اسلامی به جا گذاشتند که تا امروز با مجاهدت علما و رهبری‌های دینی تداوم یافته است. انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی (ره)، و آیت‌الله خامنه‌ای، نقطه عطفی در این مسیر بود. این انقلاب با تغییر رویکرد فرهنگی، بر عدالت‌خواهی، استقلال، کرامت انسانی، و مقاومت در برابر استکبار جهانی تأکید کرد و الگویی برای بیداری اسلامی ارائه داد. آیت‌الله خامنه‌ای با تحلیل تحولات جهان عرب به عنوان «بیداری اسلامی»، اصولی همچون مبارزه با سلطه خارجی، عدالت‌طلبی، و نقش رهبری علما را محور این جنبش‌ها برشمردند. انقلاب ایران با نو سازی مفاهیمی به مانند عدالت، آزادی مشروع، و تقویت هویت دینی، چهار سطح تحلیلی فردی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی را در احیای تمدن اسلامی مورد توجه قرار داد؛ ۱. فردی: ترویج اخلاق نیکو و تعامل مسالمت‌آمیز. ۲. اجتماعی: تقویت همکاری‌های فرهنگی و اقتصادی بین جوامع مسلمان. ۳. سیاسی: پاسخ‌گویی دولت‌ها به خواسته‌های مردم و مقاومت در برابر ظلم. ۴. فرهنگی: تبادل اندیشه با دیگر تمدن‌ها و بازسازی هویت اسلامی. به طور مشخص، این تحولات، خودباوری را در جهان اسلام تقویت کرد و با بهره‌گیری از فناوری‌های ارتباطی، پیام مقاومت و وحدت را گسترش داد. نتیجه این روند، شکل‌گیری جنبش‌هایی به مثابه بیداری اسلامی بود که در قالب بهار عربی^۲ یا مبارزات فلسطین تجلی یافت.

^۱ صحیح‌ترین و جامع‌ترین کتابی الهی است که آموزه‌های آن عهده‌دار سعادت دنیا و آخرت است.

^۲ هنگامی که پیشوند نام کشوری «دموکراتیک»، «دموکراتیک خلق»، یا «پادشاهی» باشد، برخی الزامات در زمینه چگونگی اداره و شیوه زندگی افراد در چنین کشوری ایجاد می‌شود. پارادایم غربی، که توانایی سلطه‌جویی در این گونه نام‌گذاری‌ها را دارد و مجموعه‌ای از عوامل اقتصادی، نظامی، جغرافیایی و مهمتر از همه رسانه‌ای را در اختیار دارد، از همان ابتدا نام این رویدادها را «بهار عربی»، گذاشت. استفاد از واژه «بهار»، در این نام‌گذاری، در واقع، الهام گرفته از انقلاب‌های میانه قرن ۱۹ میلادی، در کشورهای مختلف اروپایی است که به اصطلاح «بهار مردم»، یا «بهار انقلاب»، نامیده می‌شد. در آن دوران، چندین کشور اروپایی درگیر انقلاب و تغییرات ساختاری شدند که آثار آن هنوز هم در زندگی اجتماعی مردم این کشورها و حتی سایر کشورهای جهان باقی است (تقوی، ۱۳۹۶: ۸). یکی دیگر از کاربردهای سیاسی واژه «بهار»، در حوادث پراگ در انتهای دهه ۱۹۶۰ میلادی اتفاق افتاد، زمانی که نیروهای کمونیستی، عمدتاً شوروی، برای جلوگیری از انجام اصلاحات متمایل به لیبرالیسم در کشور چک به آن کشور حمله کرده و آن را اشغال کردند.



۲- چارچوب مطالعات پژوهش

آیت‌الله روح‌الله موسوی خمینی^۱ رهبر انقلاب اسلامی ایران که با تأسیس جمهوری اسلامی ایران، تلاش کرد تا به احیای تمدن اسلامی با رویکرد تغییرات فرهنگی در جامعه بپردازد. ایشان در آثار خود نظیر ولایت فقیه و الحکومه الاسلامیه بر بازگشت به اصول اسلام ناب محمدی و تغییرات فرهنگی در سطح جامعه تأکید داشته است. در نظر ایشان، انقلاب اسلامی نه تنها یک تحول سیاسی، بلکه یک فرایند فرهنگی به منظور احیای هویت اسلامی و مقابله با استعمار فرهنگی غرب بود. سید محمدباقر صدر^۲ فقیه و متفکر اسلامی معاصر که در آثار خود نظیر فلسفه تاریخ و اقتصادنا به نقش تمدن اسلامی در جهت‌گیری فرهنگی ملت‌های مسلمان پرداخته است. ایشان بر این باور بودند که انقلاب اسلامی می‌تواند با ایجاد تحولات فرهنگی، نگاهی نو به تمدن اسلامی بیافریند و آن را از نظر اجتماعی و اقتصادی به‌روز کند. به‌ویژه در نظریات اقتصادی و اجتماعی خود، به اهمیت احیای اصول اسلامی و ترویج فرهنگی که با شرایط معاصر منطبق باشد، تأکید کرده است. محمد شریعتی^۳ فیدسوف و جامعه‌شناس ایرانی که در آثار خود همچون اسلام‌شناسی و پدران و فرزندان به رابطه بین انقلاب اسلامی و تغییرات فرهنگی در دنیای اسلام پرداخته است. شریعتی به‌ویژه در آثارش بر لزوم براندازی ساختارهای استعماری فرهنگی تأکید کرد و خواستار تغییرات اساسی در ساختارهای فرهنگی جوامع اسلامی شد. از دیدگاه شریعتی، انقلاب اسلامی ایران الگویی برای بازسازی فرهنگی در دنیای اسلام بود. عبدالکریم سروش^۴ فیلسوف و نظریه‌پرداز دینی معاصر ایران که در آثار خود مانند دین‌شناسی و نقدی بر سنت و مدرنیته به اهمیت اصلاحات فرهنگی در دنیای اسلام و تعامل آن با مدرنیته پرداخته است. وی انقلاب اسلامی را نه تنها یک جنبش سیاسی، بلکه یک حرکت فرهنگی و دینی می‌داند که می‌تواند زمینه‌ساز تحولات فرهنگی در سطح جهانی باشد. همچنین بر لزوم بازنگری در هویت فرهنگی اسلامی و انطباق آن با نیازهای عصر جدید تأکید کرده است. علامه محمدتقی جعفری^۵ فیلسوف و مفسر قرآن که در آثار خود، به‌مانند تبیین فلسفه انقلاب اسلامی و نظریات اجتماعی اسلام، به بررسی تحولات فرهنگی در پی انقلاب اسلامی و نقشی که این تغییرات در احیای تمدن اسلامی ایفاء می‌کند، پرداخته است. وی معتقد است که انقلاب اسلامی ایران گامی اساسی در جهت احیای فرهنگ اسلامی و از بین بردن فرهنگی استعماری و غرب‌گرایانه در جوامع مسلمان بود.

فاطمه‌زهره احسانی^۶ در پژوهش خود با عنوان «نقش انقلاب اسلامی و جنبش‌های اسلامی در تمدن نوین اسلامی»؛ دریافته است که انقلاب اسلامی نقش قوه محرکه و تفکر در تمدن نوین اسلامی دارد و زمانی می‌تواند مولد باشد که در جامعه ظهور و بروز عینی پیدا کند. دستاورد انقلاب اسلامی این بود که؛

^۱ Ayatollah Ruhollah Khomeini

^۲ Sayyid Muhammad Baqir al-Sadr

^۳ Ali Shariati

^۴ Abdolkarim Soroush

^۵ Allama Muhammad Taqi Jafari

^۶ Fatemeh Zahra Ehsani

امام‌خیمینی عملاً قرآن را وارد عرصه علوم سیاسی کرد. امام به نهادسازی اقدام کرد و با تأسیس کمیته‌های انقلاب، سپاه پاسداران، جهاد سازندگی و غیره، ضمن ایجاد تغییرات فرهنگی، زمینه را برای مشارکت مردم انقلابی فراهم کرد و شیوه‌ای جدید در جامعه‌شناسی، علوم سیاسی و مدیریت فرهنگی جامعه بنیان نهاد. و رفتار سیاسی امام تقسیمات نوینی را در عرف مدیریت جهانی پدید آورد که مبتنی بر فرهنگ دینی بود (احسانی، ۱۳۹۶: ۳۰-۱). جاوید منتظران^۱ و زهرا منتظران^۲ در پژوهش «تبیین و بررسی نقش انقلاب اسلامی در احیای تمدن نوین اسلامی»؛ دریافتند که انقلاب اسلامی ایران باتکیه بر ترویج فرهنگ و تفکر استقلالی، توانست نوعی خودباوری فرهنگی و استقلال اندیشه‌ای را برای مسلمانان به ارمغان آورد و با ازبین بردن خودباختگی در حوزه فکر و اندیشه، به بازسازی تمدن اسلامی بپردازد تا بدی ترتیب کشورهای اسلامی در عین اهتمام به ایجاد هویت مستقل، به تقویت توان تعاملی و تبادل جهان اسلام مبادرت ورزند و ضمن تکیه بر ارزش‌های بومی و معنوی، دگرگونی سازنده در بینش و نگرش مسلمانان، تکیه بر فرهنگ خودی و باورهای دینی و عقیدتی، به استقلال تفکر نخبگان فکری، فرهنگی و اندیشه‌ای و ارتقای فعالیت‌های فرهنگی برای افزایش آگاهی و شناخت و معرفت عمومی اهتمام کنند (منتظران، منتظران، ۱۳۹۷: ۲۱-۱). محمد جزینی^۳ در پژوهشی با عنوان «نقش انقلاب اسلامی در تمدن نوین اسلامی»، به این نتیجه رسید که ماندگاری و تحول‌آفرینی این تمدن باعث گردید تا استعمارگران و دشمنان این آیین با حیل‌های زوال و فروپاشی عثمانیان را رغم بزنند. باین حال انقلاب اسلامی بایستادگی ملت بیدار و هوشیار، با رهبری معمار انقلاب و عنایات و توجهات حضرت باری تعالی مبارزات علیه استعمار و استبداد به پیروزی رسید. متعاقب آن بیداری ملل مسلمان و آزاده جهان را در پی داشت و باعث تغییر رویکرد فرهنگی-اسلامی و شکل‌گیری تمدن نوین اسلام در میان ملت‌های مسلمان شد (جزینی، ۱۳۹۶: ۲۱-۱).

۳- روش پژوهش

در این تبیین، روش پژوهش به صورت مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ای با رویکرد توصیفی-تحلیلی انتخاب شده است. به این ترتیب، ابتدا منابع و اسناد معتبر موجود در زمینه انقلاب اسلامی و تأثیر آن بر ملت‌های مسلمان در جهت احیای تمدن نوین اسلامی جمع‌آوری و بررسی شده‌اند. سپس، با تحلیل محتوای این منابع، نقشی که انقلاب اسلامی در شکل‌دهی به روند فرهنگی و اجتماعی در جوامع مسلمان ایفاء کرده، مورد ارزیابی قرار گرفته است.

این روش به منظور ارائه یک تحلیل جامع از تأثیرات فرهنگی و تمدنی انقلاب اسلامی بر حرکت‌های معاصر مسلمانان در راستای احیای هویت اسلامی و تمدن نوین اسلامی به کار گرفته شده است.

^۱ Javid Montazeran

^۲ Zahra Montazeran

^۳ Mohammad Jozeini



۴- یافته‌ها

۴-۱- نقش انقلاب اسلامی در توسعه علمی و نوسازی تمدن نوین اسلامی

درد گذشته جهان اسلام، پرهیزگاری و کناره‌گیری از دنیا، و درد امروز آن، ناسیونالیسم است. حکومت‌ها و ملت‌های مسلمان باید خود را از افکار ناسیونالیسم رها کرده و با کسب هویت گروهی در زیر چتر اسلام (هویت اسلامی)، دست به دست هم دهند. اندیشمندان کشورهای اسلامی نیز باید باهم برخیزند و جزئی از کل (جامعه جهانی اسلام)، شوند (دهقانی فیروزآبادی، فرازی، ۱۳۹۱: ۱۹۰-۱۶۳). در همین دوران شکوفایی جهان اسلام وقتی تاریخ را ورق می‌زنیم، می‌بینیم در دوران بالندگی تمدن اسلامی، در سایه پشتیبانی حاکمان مسلمان، کانون‌های علم و دانش در سرزمین‌های اسلامی رونق داشته است. این امر به تبادل افکار جدید و پیدایش آثار با ارزش در زمینه علم، پیدایش نوآوری‌ها و شکوفایی دانش کمک مؤثری کرد و عرصه رشد و توسعه فرهنگ تمدن اسلامی را فراهم آورد. پس می‌توان گفت از مهمترین ابزار نو ساختن تمدن اسلامی، عوامل روانی است. تمدن اسلامی اگر بخواهد خودش را نشان بدهد باید به خودباوری برسد (بارتولد، ۱۳۷۷: ۱۹۰). به بیانی، مسلمانان باید بپذیرند که پیشرفت و عقب افتادگی، ذاتی نیست و می‌توان آن را تغییر داد و باید این کار را کرد. مسلمانان نباید در جانب داری و وابستگی‌های مذهبی (شیعه و سنی)، و نژادی (عرب و عجم)، محصور بمانند، باید فراتر فکر کنند و همه باهم و با یک هدف برخیزند. لذا امروزه مسئله مهمی که حکومت‌ها و دولت‌مردان جهان اسلام باید به آن توجه داشته و در سایه آن به گسترش و نوسازی تمدن اسلامی بپردازند، تقارب رویکردهای فرهنگی ملت‌های مسلمان است. در این راستا، از کلیات مهم که باید به آن توجه نمود، فقاقت و بحث‌های نقادانه در فقه است؛ یعنی کنکاش درباره موضوعی فقهی و بیان حکم درباره آن؛ اهل تسنن به صورت نظری اجتهاد را پذیرفتند، اما در عمل بر نظریات فقهی بنیان‌گذاران مذهب‌های چهارگانه باقی مانده و بدین ترتیب، افکار اجتهاد را محصور کردند. وقتی این چرخ حرکت در اسلام بایستد، آزادی روح تمدن اسلامی و امکان پرواز و اوج گرفتن آن گرفته خواهد شد. ترقی و تکامل، نه در عقب افتادگی فکری و باورها و نه در تسلیم شدن و تقلید، بلکه در نشاط اجتهادی و تولید تفکر علمی و دینی است. رشد و توسعه علمی، نیازمند محیطی آرام و آزاد است؛ محیطی که در آن اطمینان خاطر و آسودگی فکری و نظری برای متفکرین فراهم آید. آزادی فکر و اندیشه البته اگر افسارگسیخته نباشد و حریم‌ها نیز حفظ شود سبب رشد و پیشرفت می‌شود (زمانی‌محبوب، ۱۳۹۰: ۱۱۷). از این رو، باید فضایی فراهم آید که نویسندگان و متفکران، افکار انتقادی خود را مطرح کرده، ایده‌ها و افکار خود را بیان نموده و گروهی از دانشمندان و اهل فن نیز در پی پاسخ این دیدگاه‌ها برآمده و آن‌ها را نقد و بررسی کنند. چنین وضعیتی، موجب تحول و پویایی فکری جامعه می‌شود، دانشمندان را از شلی و سستی دور می‌کند، مطالب متنوع در برابر پرسش‌ها ارائه می‌شود و در نتیجه، راهکارها و استراتژی مناسب به دست می‌آید. در تحلیل تغییر فرهنگی یادشده در انقلاب اسلامی، با نوعی تغییر در فرهنگ عمیق مواجه می‌شویم؛ به سخن دیگر، واکاوی و تشریح نمونه‌های عینی به ما می‌گوید این تغییرات، سطحی نبوده، به عناصر ظاهری

محدود نیستند؛ بلکه برعکس، به‌طور عمده، عبارت بوده‌اند از تغییر در نحوه نگرش به امور که شامل تغییر در پیش‌فرض‌ها (جهان‌بینی، اعتقادات کلی و غیره)، هنجارها و ارزش‌ها می‌شود. می‌توان اذعان داشت که یک نوع خاص از جهان‌بینی و اعتقادات و یک گونه از هنجارشناسی و ارزش‌مداری که تا قبل از آن، جنبه فرهنگ غالب و عمومی را در همه عرصه‌های اجتماعی و فردی نیافته بود، به‌عنوان گفتمان فرهنگی حاکم معرفی شد و در جهت حاکمیت و غلبه بالفعل آن تلاش گردید. بنابراین باید گفت انقلاب اسلامی، یک «سفر فرهنگی عمیق» بوده است و انقلاب فرهنگی نیز که می‌توان از آن به‌عنوان بطن انقلاب اسلامی یاد نمود که به‌معنای شروع این سفر و وقوع در انجام آن می‌باشد و همه تغییرات و تحولات دیگر را در این انقلاب، می‌توان ناشی از همین تحول دانست. بی‌شک یکی از اصلی‌ترین افرادی که در این تغییر رویکرد فرهنگی و شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی نقش به‌سزایی داشته است مقام معظم رهبری می‌باشد و بدون شک یکی از مهمترین راه‌های رسیدن به این آرمان، تلاش در جهت حاکمیت بخشیدن به قرآن و آموزه‌های اسلامی است چراکه این دو ریسمان محکم الهی اصول اساسی ساخت تمدن نوین اسلامی را به‌خوبی نشان داده‌اند (روحانی، ۱۳۹۴: ۹۳-۸۴).

در قرون ابتدایی (قرن سوم و چهارم)، یکی از مهمترین علل پیدایش عصر طلایی تمدن اسلامی توجه به همین آموزه‌ها بود که در قرآن و اسلام مورد تأکید قرار گرفته بود (بیات، ۱۳۹۳: ۲۹). همچنین قرن‌های سوم و چهارم هجری، مزین به تمدنی شد که پس از هزار سال، هنوز برکات علمی و فرهنگی آن در مدنیت کنونی جهان دیده می‌شود. کتاب تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری نوشته^۱ آدم متز^۱ به روشنی نشان می‌دهد که تمام محیط اسلامی، بازار تولید علم در دنیا بوده و نقطه اصلی آن هم ایران یعنی همین اصفهان، ری، فارس، خراسان، هرات و مرو بوده است؛ در آن دوران، در ایران تشعشع و تلالوی تمدن است. در این دوران فیلسوفان، دانشمندان، نویسندگان و شاعرانی چون ابن سیناها، فارابی‌ها، و خوارزمی پایه‌های اولیه تغییرات فرهنگی و شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی را بنیان نهادند که سرانجام آن ظهور قدرت‌های سیاسی بزرگ در سراسر دنیا بود. این تمدن تا قرن‌های چهارم و پنجم و ششم هجری ادامه داشت و به‌مرور زمان حکومت‌های شکل‌پذیرفته از تمدن نبوی، دچار فساد و انحراف شدند و مسیرشان عوض شد. یعنی آن روزی که پادشاهانی به‌نام خلیفه، در بغداد و شام و در این گوشه و آن گوشه عالم، پرچم اسلام را بلند کرده بودند، اما زیر پرچم اسلام، هواهای نفسانی، شهوات، اغراض، تکبرها، غرورهای شاهانه، مال‌اندوزی‌ها و به‌خزائن خود پرداختن‌ها را وارد کردند و به‌این چیزها سرگرم شدند، زمینه‌های انحطاط دنیای اسلام فراهم شد.

بامروری بر این برهه از تاریخ اسلام، مشاهده می‌کنیم که اروپایی‌ها وقتی خواستند اندلس را از مسلمانان پس بگیرند، ابتدا شراب‌خواری را ترویج نمودند و سپس جوانان را به فساد جنسی آلوده کردند. کار به‌جایی رسید که مردم از کوچک و بزرگ و سران و قشون، دچار فساد و انحطاط اخلاقی شدند. نتیجه این اقدامات

^۱ Adam Mez



اروپایی‌ها آن شد سپاهی که تا آن زمان در هیچ جنگ نظامی شکست نخورده بود، در میدان جنگ نرم مغلوب شد. این تلاش برای غلبه بر تمدن نوین اسلامی تا قرن چهاردهم ادامه پیدا کرد. هرچند در هر قرن حکمایی از جمله صفوی بودند که پیرو شریعت اسلامی و قرآنی بودند ولی به‌طور خاص در قرن چهاردهم، معلم و راهبری از جنس اولاد پیامبر که با زبانی ساده و قرآنی با مردم هم‌قدم شد و مردم ایران پس از چندین قرن بلاتکلیفی، حکومتی دینی و اسلامی را روی کار آوردند تا مقدمات شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی را در جهان فراهم سازند (مختاری، ۱۴۰۰: ۱۶۷). از زمان پیدایش اسلام، همواره ارزش‌ها و شاخصه‌هایی برای رشد و پیشرفت وجود داشته است که وجود آن‌ها در تمدن اسلامی در همه اوقات و زمان‌ها، لازم و ضروری است و نبود هر کدام از این شاخصه‌ها می‌تواند مسیر رشد و ترقی تمدن اسلامی را به‌چالش بکشانند. از جمله محوریت قوانین قرآنی، خردورزی، علم، اخلاق، مجاهدت در راه خدا، حکومت مردمی، پرهیز از تحجر، ایجاد رفاه عمومی، استقرار عدالت، دوری از اقتصاد مبتنی بر ربا و تکاثر و غیره؛ اما همگام با پیشرفت بشر، قطعاً ملاک‌ها و شاخصه‌های جدیدی نیز مطرح گردید که اگر تمدن اسلامی قصد پیشرفت در دنیای امروز را دارد، به ناچار باید به آن‌ها توجه کند. مقام معظم رهبری با آگاهی خویش و بادرک بایسته‌های زمان، همواره ضرورت توجه به مسائل بدیع را در رأس برنامه‌های خود قرار داده است. یکی از این بدیعیات، مسئله تمدن نوین اسلامی است که تحقق آن طبیعتاً ضرورت توجه به مسائل جدیدی به مثابه ابتکار و خلاقیت، توجه به رسانه‌های نوظهور، هنر، سینما، بهبود روابط بین‌الملل، صدور احکام فقهی مناسب با نیازهای جدید بشری و غیره، را می‌طلبد. دین اسلام به اقلیم و کشور و ملت و نژادی خاص تعلق ندارد تا بخواهند آن را به‌تنهایی ارتقاء بخشند. لذا اگر به اسلام و تفکر اسلامی، در ابعاد محلی و بومی توجه شود، قابل پیش‌بینی است که از تمدن اسلامی در کشورهای مختلف اثری نخواهد بود. و نیز باید توجه نمود که توسعه مادی و معنوی جهان اسلام و عزت و سرافرازی مسلمانان، باید از اولویت‌های دانشمندان و نخبگان مسلمان و میان آن‌ها اتفاق نظر باشد چراکه به‌عنوان الگوی جامعه می‌توانند تغییرات فرهنگی را در جامعه شکل دهند. درواقع، باید اهداف و انگیزه‌های اندیشمندان اسلامی، در جهت تعالی علم و دانش و در خدمت اسلام قرار گیرد. نکته دیگر اینکه دانشمندان مسلمان نباید از یادگیری علوم امروزی و تمدن جدید غرب فراری شوند، بلکه باید از پیشرفت‌های تمدن جدید بهره برده، به آن رنگ اسلامی بخشند، در آن صورت است که نوسازی تمدن اسلامی حاصل خواهد شد.

۴-۲- نقش انقلاب اسلامی در رشد هویت فرهنگی اسلام و نوسازی تمدن اسلامی

امروزه آگاهی از هویت فرهنگی اسلام بیش از هر زمان دیگر، ضروری هست تا ضمن الگوگیری از تمدن روشن اسلامی در گذشته، نقاط ضعف و قوت آن را شناخته و نهاد رشد و بالندگی‌اش را به کار بست و از سویی، به استعدادهای ذاتی خود بیشتر پی‌برد و بر خودباوریش طی این مسیر، افزود. البته باید توجه داشت که مرور تاریخچه فرهنگ و تمدن فروزان اسلامی، باید از منظر پندگیری و تنها در جهت تقویت حس خودباوری باشد، نه اینکه نگاه ما به گذشته موردنظر و توجه واقع شود و همانند چند قرن اخیر، از آینده غافل

شویم. پاک و منزّه دانستن دروغین تاریخ گذشته و اهتمام به آن، خود مخالف حرکت اسلام است و چاره‌ای برای درمان درد فرهنگ و تمدن اسلامی نیست. باید از گذشته پند گرفت و با تقویت اراده‌ها و پرورش افراد توانمند، به آینده نگریست. همچنین به این امر باور داشت که آنچه اطراف ما را فرا گرفته، تبدیل‌پذیر است و نیازمند بازنگری (حشمت‌زاده، ۱۳۷۸: ۲۳۴-۲۱۱). انقلاب اسلامی ایران توانسته با اتخاذ تدابیر خلاق و پُر منفعت برای تبدیل تهدیدها به فرصت‌ها، به ایجاد فرصت‌های جدید مبادرت ورزد و نشان دهد که در عصر اطلاعات، توجه به قدرت علم نه تنها موجب افزایش توانایی برای همکاری می‌شود بلکه موجب افزایش تمایل دیگران به حرکت در این مسیر و تحقق ثبات منطقه‌ای نیز می‌گردد. در اندیشه مقام معظم رهبری، بحث علمی و رشد علمی، راه‌چاره توسعه تمدن اسلامی است. به نظر ایشان، فردای بدون علم تاریک است و راه‌چاره توسعه تمدن اسلامی، تلاش در مسیر علم است. علم از دیدگاه ایشان سلطه‌آور است و جامعه صاحب علم را قدرتمند می‌سازد. ایشان به میزان بسیاری تأکید می‌کنند که علم را باید یاد گرفت و به تولید و انتقال آن پرداخت و به مصرف آن نباید بسنده کرد. روش‌شناسی تولید علم از دیدگاه ایشان، اجتهاد به معنای مصطلح، یعنی بهره‌بردن از منابع دینی و رجوع به عقلی است که پشتوانه آن وحی است. در این صورت تولید علم می‌تواند در مسیر رشد و گسترش تمدن اسلامی باشد. به باور ایشان دشمن از هیچ تلاشی برای عدم تحقق این اصل کوتاه نمی‌کند و پس، باید ترفندهای دشمن را شناخت. نکته بسیار مهم در اندیشه ایشان درباره علم، شکستن مرزهای دانش به وسیله مسلمانان است. به اعتقاد ایشان، تحجر و جزم‌گرایی در خصوص یافته‌های علمی گذشتگان یا متفکران غربی، آفت اصلی تحقق رشد علمی است و آزاداندیشی راه برون‌رفت از این آفت است (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۷۹/۱۲/۹).

از دیگر اقداماتی که حکومت‌ها باید در راستای گسترش و نو سازی تمدن اسلامی انجام دهند، استقبال از جنبش آزاداندیشی و آزادمنشی یا همان تغییر در رویکرد فرهنگی ملت‌های مسلمان است (زمانی محبوب، ۱۳۹۰: ۱۱۸). در این زمینه *اقبال* لاهوری^۱ معتقد است تنها راهی که در برابر ما باز است این است که حفاظا سختی که اسلام را پوشانیده و نظر پویا و بالنده آن را نسبت به زندگی متوقف ساخته است، از روی آن برداریم و از نو حقیقت‌های اصلی آزادی و برابری و مسئولیت مشترک را کشف کنیم. آن روز که بهره آزادی، اخلاق و منطق، همه یکجا و در کنار یکدیگر به‌جا آورده شود، شروع جریان خلاقیت علمی و تفکر بالنده دینی میان مسلمانان و کلید احیای تمدن اسلامی در همه جوامع اسلامی زده شده است. یکی از مهمترین کارها در این مسیر، ایجاد روحیه آزاداندیشی و تفکر استدلالی در میان امت مسلمان است. اگر وضعیت فکری مسلمانان و قوا و استعداد های آنان رشد نکند، طبیعی است که تمدنی نیز در کار نباشد. احیای تمدن اسلامی، به مسلمانانی وابسته است که بتوانند آزادانه فکر کنند و منفعت جمعی و فکری خود را متفکرانه تشخیص دهند (لاهوری، ۱۳۹۵: ۳۴). انقلاب اسلامی ایران نشان داد که دین می‌تواند عصری اثرگذار بر سیستم تصمیم‌گیری جهان به حساب آورده شود و جهان اسلام باتکیه بر اعتقادات و هنجارهای

^۱ Muhammad Iqbal



بومی و فرهنگی از توان و قدرتمندی لازم برای فرم‌دهی به سازمان‌دهی اجتماعی و سیاسی برخوردار است. انقلاب اسلامی، این اعتماد به نفس را به ملت‌های مسلمان داد که می‌توان با آگاهی و آشنایی دقیق از فرهنگ اسلامی و باز تعریف آرمان‌هایی چون استقلال، آزادی، عزت و عدالت و باتکیه بر الگوی تفکر، آگاهی، تصمیم‌گیری و اطلاع‌رسانی، باب خلاقیت اسلامی را گشود. این انقلاب با ثابت کردن توانایی دین برای حکومت‌داری و بازسازی وظیفه دین به عنوان جزئی اثرگذار بر تحولات جهانی، توانست به نوسازی هویت اسلامی برپایه پیوند دین و سیاست اقدام کند. بازسازی هویت تمدن اسلامی و نقش آفرینی تفکر اسلامی در عرصه هنجارسازی و گفتمان‌سازی، حکایت از آن دارد که انقلاب اسلامی توانسته نقش دین را در نظام تصمیم‌گیری منطقه‌ای و بین‌المللی آشکار سازد. این مهم مدیون احیای تمدنی در سایه انقلاب اسلامی است که بر شاخص‌هایی از قبیل پیوند دیانت و سیاست قرار داده شده است (محمدی‌فر، بیات، عرفان، ۱۴۰۱: ۱۵).

۴-۳- نقش انقلاب اسلامی در شکل‌گیری حرکت‌های مردمی در امت‌های مسلمان

در جهانی که همه از اطلاعات، لبریز شده‌اند، آنچه اهمیت دارد اطلاعات نیست بلکه توجه ماست و این توجه به سمت اطلاعات درست‌تر جلب می‌شود. در این میان، بازیگری می‌تواند پیش‌رو دنیای سیاست باشد که در زمینه انتقال پیام و جلب اعتماد در جهان، نقش آفرین باشد زیرا مشروعیت، قسمت اساسی از قدرت نرم آن را تشکیل می‌دهد و جذابیت آن بر قدرت قطعی آن می‌افزاید. در این میدان، پیروز کسی است که قاعده‌مند و دارای ارزش باشد و بتواند با استفاده از قدرت نرم و تصویرسازی و ارائه چهره‌ای مطلوب و مناسب به انتقال درست پیام اقدام کنند. و به همین دلیل استفاده از روش فعال و بدیع در جهت تغییر در رویکرد فرهنگی و حرکت به سمت فرایند جهانی‌شدن در دستور کار انقلاب اسلامی ایران قرار گرفت و نقش آفرینی قدرت نرم انقلاب اسلامی طی سال‌های اخیر به شکلی باورنکردنی افزایش یافت. انقلاب اسلامی ایران با هدف متحول‌سازی نظام بین‌الملل از رهگذر ایجاد تحول و دگرگونی در افکار و اذهان و فراهم‌ساختن شرایط ذهنی برای تغییر قواعد و هنجارهای بین‌المللی، توانست با تفکرات رهایی بخش خود، نظام سلطه را به چالش بکشد و ابعاد اساسی اندیشه استکبار ستیزی، استقلال طلبی و راهبرد «نه شرقی نه غربی»، را برای جهانیان آشکار کند و نه تنها به چالش فکری و سیاسی با غرب مبادرت ورزید بلکه توانست با اتکاء به قدرت نرم‌افزاری خود و بازتعریف جدیدی از دین، معنویت و سیاست، روش زندگی و الگوی جدید اجتماعی را نمایان کند. انقلاب اسلامی ایران دارای مشخصه‌های منحصر به فرد و یگانه‌ای در زمانه خود بود. زمانه‌ای که از آن دو قطب ژئوپلیکی شرق و غرب با جهان‌بینی خاص خود بودند و همه جریان‌ها در این دو راستا شنا سایی و هویت می‌یافت. دو قطب جهانی در هنگامه انقلاب اسلامی به رهبری آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی و مبادلات و معادلات منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای با ارجاع به یکی از این دو نیروی متخاصم تعیین می‌گشت. اما انقلاب اسلامی ایران نوعی گریز از این دو جریان سلطه، و بازگشایی قطب دیگر بود (متقی، قره‌بیگی، ۱۳۹۳: ۱۳۱).

بروز قطب و قدرت سوم در عرصه جهانی به دلیل عدم وابستگی به قطب‌های پذیرفته شده جهانی، ناشی از باورهای دینی، ایمانی و اسلامی و حمایت و پشتیبانی فراوان مستضعفان جهان از آرمان‌های انقلاب اسلامی که توانسته نظم تحلیلی مبتنی بر سرمایه‌داری و کمونیسم را درهم بشکند به طوری که بیداری اسلامی در خاورمیانه و شمال آفریقا و ادامه آن، بروز آشفته‌گی اجتماعی در جامعه آمریکا در پی بروز جنبش ضد وال استریت، حکایت از تغییرات در رویکرد فرهنگی غربی و تنزل نظام افسارگسیخته سرمایه‌داری و ازهم پاشیدن پایه‌های سست اومانیستی و مادی‌گرایی غربی دارد که از تلاش به سوی معنویت و خداآوری غفلت ورزیده است. انقلاب اسلامی ایران با روشن کردن اندیشه تحول براساس معنویت و اسلام و بازسازی دین در سطح جهان، توانسته ضمن به چالش کشیدن مکتب مادی‌گرایی سرمایه‌داری لیبرال و ضد ارزش ساختن سلطه‌گری قدرت‌های جهانی، به متحول سازی معادلات سیاسی بین‌الملل اقدام کند. این اوج‌گیری فرهنگی که بر وحدت جهان اسلام و پی‌ریزی قطب جهانی دنیای اسلام تأکید می‌کند، توانسته رهبری مبارزه با هجوم فرهنگی شرق و غرب را برعهده بگیرد و بارائه ذهنیت نوین از دین به عنوان مجموعه‌ای جامع از اعتقادات، ارزش‌ها و هنجارهای سامان یافته که توانایی سازمان‌دهی به بنیادهای سیاسی و اجتماعی و اقتصادی را دارد، به احیای تمدن نوین اسلامی همت گمارد (موثقی، ۱۳۷۸: ۴۰). بدین ترتیب، حرکت‌های نوین مردمی در منطقه خاورمیانه براساس الهام گرفتن از آرمان‌های انقلاب اسلامی از قبیل بیدادگری، عدالت‌خواهی، معنویت‌طلبی، اسلام‌خواهی، عزت‌جویی، کرامت‌طلبی، پستی‌زدایی، استقلال‌طلبی، استکبارزدایی و صهیونیسم‌ستیزی توانسته موج جدیدی را در منطقه به وجود آورد و بنمایاند که از دل اسلام سیاسی، جریان دموکراسی خواهی و آزادی طلبی برمی‌خیزد و در فرایند تثبیت نظام مردم سالاری، جریان‌های اسلام‌گرا از طریق انتخابات و مراجعه به آرای عمومی به قدرت و حاکمیت می‌رسند و این هم برگرفته از تجربه انقلاب اسلامی است که امکان توافق و سازگاری بین جمهوریت و اسلامیت را در قالب نظام مردم سالاری دینی فراهم آورد. این روش کثرت‌گرایی به مدرنیته و مردم سالاری که آن را روش و نه ارزش می‌داند و به عنوان الگویی قابل جمع با اسلام سیاسی، معرفی می‌کند، این را می‌رساند که، الگوی واحد و تک‌ساختی مدرنیسم غربی، دیگر توانایی تحمیل کردن خود به جوامع مسلمان را ندارد و جهان در حال طی کردن تجربه انقلاب اسلامی در راه برقراری سازگاری بین سنت اسلام‌خواهی و روش‌های مدرن و مردم سالار حکومت‌داری به دور از ظلم، سلطه، فساد و تبعیض است. این جریان بیداری اسلامی توانسته با تغییر در رویکرد فرهنگی ملت‌های مسلمان و شناساندن ظرفیت‌های تمدن نوین اسلامی، موجبات بازآفرینی نقش دین را در نظام بین‌الملل به وجود آورد و روشی نوین را برای مقابله با نظام سلطه رقم زند که بر توسعه و پیشرفت قدرت نرم افزاری، فکری و فرهنگی ملت‌های مسلمان استوار است. در این مسیر پرتلاطم، رهبر انقلاب اسلامی ایران با درک مقتضیات زمان، مبحث تمدن نوین اسلامی را با مبانی‌های جدیدی چون صدور فتاوی فقهی متناسب با نیازهای جدید، تلاش و کار و ابتکار، توجه به رسانه‌های مدرن، سینما، هنر مطرح کرده‌اند تا تمدن اسلامی پویا بماند (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۵/۳/۲۲). در نتیجه



ایشان شکوفاترین راه رسیدن به تمدن نوین اسلامی را رعایت عدالت اجتماعی بیان نموده و می‌فرماید: «از همه این شاخص‌ها مهمتر، شاخص کلیدی و بنیادین عدالت اجتماعی است. یعنی ما رونق اقتصادی کشور را بدون تأمین عدالت اجتماعی هرگز نمی‌پذیریم. کشورهایی وجود دارند که شاخص‌های اقتصادی‌شان خیلی خوب است، اما تبعیض، شکاف طبقاتی و نبود عدالت در آن‌ها محسوس است که البته ما این را منطبق با اسلام و اهداف نظام نمی‌دانیم. بدین‌سان یکی از مهمترین شاخص‌های ما، شاخص عدالت اجتماعی است» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۷۹/۷/۱۴ و ۱۳۸۳/۳/۱۸ و ۱۳۹۲/۱۲/۲۰).

۴-۴- نقش انقلاب اسلامی ایران در شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی

بنیاد اصلی تمدن اسلامی، اسلامیت آن است و بی‌تردید، اسلام سبب به‌وجود آمدن فرهنگ و تمدن درخشان اسلامی بوده است و شکوفایی آن در تمام حوزه‌ها، از معماری تا ادبیات و از پزشکی تا آداب و رسوم نمایان می‌شود، از این‌رو، برای گسترش و احیای تمدن نوین اسلامی باید به اسلام و قواعد آن بازگشت. این مسئله درحالی‌با اهمیت‌تر به‌نظر می‌آید که مسلمانان امروز، از اصول اسلام و آموزه‌های این شریعت، دست کشیده‌اند و باید برای اتصال دوباره آن، فکری اندیشید. پس باید به‌این نکته توجه نمود که بازگشت به اسلام اساسی‌ترین روش و راهکار احیاء و توسعه تمدن نوین اسلامی است (لاهوری، ۱۳۶۲: ۱۸). مسلمانان امروز با مشاهده و لمس ناکامی‌های گذشته، رشد فکری لازم برای رسیدن به وضعیت جدید را پیدا کرده‌اند و در پی تغییری بنیادین هستند (مقدسی، ۱۳۶۱: ۲۶). آنچنانکه درطول تاریخ، هیچ تمدنی بدون حرکت نخبگان و اهل علم، رشد نکرده است پس براین اساس می‌توان گفت از مهمترین عوامل رونق دوباره تمدن اسلامی، همت و تلاش خستگی‌ناپذیر علما و دانشمندان مسلمان درجهت تغییر در رویکرد فرهنگی ملت‌های مسلمان است. در دوران طلایی تمدن اسلامی نیز رنج و تلاش فراوان دانشمندان برای کسب علم و دانش به‌خوبی به‌چشم می‌خورد. اقبال لاهوری، ازجمله کسانی است که به احیای اسلامی عقیده دارد. وی در کتاب احیای فکر دینی در اسلام می‌نویسد: «ما اکنون مرحله‌ای را می‌گذرانیم که شباهت به مرحله انقلاب پروتستانی‌گری اروپاست... باید از آن عبرت بگیریم و با احتیاط تمام و آشنایی کامل گام برداریم. البته این به‌معنای تأیید پروتستانیزم اسلامی نیست، بلکه مؤیدی براین نکته است که اندیشمندان جهان اسلام ضرورت تغییر و تحول را احساس کرده و در پی آن می‌باشند. حقیقت این است که «نوسازی تمدن اسلامی»، با شعار و طرح موضوع تحقق نمی‌یابد. لذا، اگر تمدن اسلامی بخواهد از رکود و رخوت نجات یابد و اوج گیرد، باید مجموعه عواملی دست‌به‌دست هم دهد تا این آرمان تحقق یابد. باید دانست که پایه نوسازی تمدن، علم و تکنولوژی نیست، بلکه فرهنگ و بینش و کمال فکری انسان است، از این‌رو، باید معنای تمدن را در تغییر کلیه عناصر نظام ارزش و فکری جامعه (مبتنی بر شریعت انسان‌ساز اسلام)، شناسایی نمود. در این‌راستا، فرهنگی که اسلام بنا نهاد، همه‌جانبه بود، ولی جوهره اصلی آن توحید بود، از این‌رو، مبنای تمدن نوین اسلامی را باید در خود اسلام جست‌وجو کرد، نه بیرون آن؛ پس می‌توان با توجه به جایگاه مباحث معنوی، ارزشی و اعتقادی در جوامع اسلامی و باتکیه بر

روحیه ایثار و مبارزه در میان امت اسلام به بسط ایدئولوژی نه شرقی و نه غربی و گسترش ارزش‌های اسلامی مبادرت ورزید (لوکاس، ۱۳۹۳: ۲۵).

در جریان «بهار عربی»، موج خیزش‌های مردمی جهان عرب را درنوردید. در اثر این قیام‌ها، چهار حکومت عربی (تونس، مصر، لیبی و یمن)، سرنگون شدند، سه حکومت (بحرین، اردن و تاحدی عربستان)، با مشکلات جدی روبه‌رو شدند و یک حکومت (سوریه)، دستخوش جنگ داخلی گشت. بقی، دولت‌های عربی با ثبات به نظر می‌رسند (تقوی، ۱۳۹۶: ۱۱). نگاهی به انقلاب‌های اخیر نشان می‌دهد که تجربه‌های کسب شده از انقلاب اسلامی ایران همواره مورد توجه مسلمانان بوده است، به‌طوری که جنبش‌های اسلامی پس از انقلاب اسلامی ایران همواره با الگوگیری از آن در پی برقراری حکومت اسلامی در کشورهای خود بوده‌اند. اما این تجربه‌ها در طول سه دهه گذشته موفق نبوده و همواره در این راه با شکست مواجه شده و نتوانسته به اهداف خود دست پیدا کند که با ریشه‌یابی متوجه می‌شویم یکی از اصلی‌ترین دلایل این شکست‌ها نداشتن رهبری واحد بود. لذا، به‌فرموده مقام معظم رهبری^۴ رکن اساسی در انقلاب ایران عبارت‌انداز: ایدئولوژی اسلام، همراهی توده‌های مردم و رهبری امام خمینی (ره). هرگاه این سه عنصر در یک جنبش در کنار هم قرار گیرند آن انقلاب به هدف‌نهایی خود خواهد رسید. نکته مهمی که در جنبش‌های منطقه از آن غفلت شده است (اندیشه، ۱۳۹۵: ۸). بازگویی به چگونگی تشکیل دولت‌های اسلامی از جمله حزب‌الله لبنان مشاهده می‌کنیم که تفکرات و اندیشه‌های امام خمینی و مقام معظم رهبری در شکل‌گیری حزب‌الله و سایر گروه‌های مبارز نقش مؤثری داشتند که از آن به جنبش بیداری اسلامی یاد می‌شود. جنبش بیداری اسلامی که اکنون کشورهای خاورمیانه اسلامی را درمی‌نوردد هم از این قاعده مستثناء نیست و طبق رهنمودهای رهبری برای پیروزی نیاز به هر سه این عناصر اصلی می‌باشد که در نهایت موجب تشکیل حکومت اسلامی در این کشورها شده که برآیند این حکومت‌های اسلامی در منطقه خاورمیانه اسلامی خود نوید تشکیل تمدن جدید اسلامی را دارد لذا انقلاب اسلامی به‌عنوان نقطه آغاز خیزش تفکر بیدارگر اسلامی، توانست از رهگذر شکل‌دهی به قشر جدیدی به نام نخبگان دینی به‌عنوان تولیدگران اندیشه و تفکر اسلامی با تغییر رویکرد فرهنگی جوامع مسلمان، به احیای ارزش‌های دینی مبادرت ورزد و با تبیین سازگاری اسلام و دموکراسی، هویت اسلامی را به مسلمانان بازگرداند و عزت و اعتماد به نفس را در میان آنان ایجاد کند.

۵- نتیجه‌گیری

انقلاب اسلامی ایران با تغییر در رویکرد فرهنگی ملت‌های مسلمان و رشد و توسعه علمی و فکری و سازمان‌دهی حرکت‌های مردمی در امت‌های مسلمان، ضمن شکوفایی و بالندگی مجدد تمدن اسلامی، توانست بلوک ایدئولوژیک واحدی را تشکیل دهد و غرب را مجبور سازد تا از ادعای جهان‌شمولی خود دست بکشد و سر تعظیم در مقابل اتحاد ملت‌های مسلمان خم کند. دستاوردهای انقلاب اسلامی در زمینه



تغییر در رویکرد فرهنگی جهان اسلام توانسته راهگشای ملت‌های مسلمان منطقه در مسیر مبارزاتی خود برای حفظ کرامت و احیای هویت اسلامی خود باشد و بازسازی تمدن اسلامی را باتکیه بر خودباوری فرهنگی و پرچمداری انقلاب فرهنگی جهانی به ارمغان آورد. افزون‌براین، انقلاب اسلامی ایران به‌عنوان سردمدار مبارزه با نظام سلطه، توانسته به حرکت آفرینی در منطقه براساس آموزه‌های اسلام ناب محمدی مبادرت ورزد. ملت‌های مسلمان با الگوگیری از ایدئولوژی‌های فکر مقام معظم رهبری و دستاوردهای موفق انقلاب اسلامی توانسته‌اند به پیروزی‌های چشمگیری در عرصه ملی و بین‌المللی و عدالت‌خواهی در برابر ظلم مستکبرین دست یابند ولی به گفته مقام معظم رهبری تا زمانیکه از سه عنصر ایدئولوژی اسلام، همراهی توده‌های مردم و رهبری قوی، برخوردار نباشند در رسیدن به اهداف خود و غلبه بر ظلم موفق نخواهند بود.

منابع

- احسانی، فاطمه‌زهره. ۱۳۹۶. *نقش انقلاب اسلامی و جنبش‌های اسلامی در تمدن‌نویین اسلامی*. همایش بین‌المللی بازخوانی تمدن اسلامی و جهان شهر معنوی باتاکیدبر شهر مقدس مشهد، ایران-مشهد، ۳۰-۱.
- احمدسید. موثق. ۱۳۷۸. *علل و عوامل انحطاط مسلمین در اندیشه سیاسی و آرای اصلاحی سیدجمال‌الدین اسدآبادی*. چاپ دوم، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- اندیشه، هاشم. ۱۳۹۵. *بهار عربی (بیداری اسلامی)، و تأثیر آن در تمدن اسلامی*. دومین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های نوین در حوزه علوم تربیتی و روان‌شناسی و مطالعات اجتماعی ایران، ایران-قم، ۱۷-۱.
- بار تولد، واسیلی ولادیمیروویچ. ۱۳۷۷. *فرهنگ و تمدن مسلمانان*، ترجمه: علی اکبر دیانت، تهران: انتشارات احیاء.
- بار تولد، واسیلی. *فرهنگ و تمدن مسلمانان*. ترجمه علی اکبر دیانت. تبریز: شفق، ۱۳۳۷ ش.
- بیات، علی. ۱۳۹۳. *بایسته‌های دوره‌بندی تمدن اسلامی*، فصلنامه علمی پژوهشی-نقدونظر، دوره ۱۹ شماره ۲؛ (پیاپی)، ۳۴-۱۱.
- تقوی، سیدمحمدعلی. ۱۳۹۶. *ریشه‌های بهار عربی و دومینوی فروپاشی رژیم‌های عرب (تعیین‌کنندگی عوامل کوتاه‌مدت و نقش مدیریت سیاسی)*. دولت پژوهی، دوره ۳، شماره ۱۱، ۲۶-۱.
- جزینی، محمد. ۱۳۹۶. *نقش انقلاب اسلامی در تمدن‌نویین اسلامی*. همایش بین‌المللی بازخوانی تمدن اسلامی و جهان شهر معنوی باتاکیدبر شهر مقدس مشهد، ایران-مشهد، ۲۱-۱.
- حشمت‌زاده، محمدباقر. ۱۳۹۴. *مقدمه و چارچوبی برای بررسی تأثیرات انقلاب اسلامی در کشورهای اسلامی*. فصلنامه علمی پژوهشی-مطالعات فرهنگ-ارتباطات، شماره ۱۲ و ۱۳، ۲۳۴-۲۱۱.
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال. فرازی، مهدی. ۱۳۹۱. *بیداری اسلامی و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران*. فصلنامه علمی پژوهشی-مطالعات انقلاب اسلامی، دوره ۹، شماره ۲۸، ۱۹۰-۱۶۳.
- روحانی، علی‌اکبر. ۱۳۸۴. *قرآن زیرساخت تمدن اسلامی*. دوفصلنامه علمی پژوهشی-اندیشه تمدن اسلامی، دوره ۱، شماره ۱، ۹۳-۸۴.

- زمانی محبوب، حبیب. ۱۳۹۰. **نوسازی تمدن اسلامی**. فصلنامه علمی پژوهشی-تاریخ اسلام در آیین پژوهش، دوره ۸، شماره ۱، ۱۱۷-۱۳۵.
- لاهوری، محمد اقبال. ۱۳۹۵. **احیای فکر دینی در اسلام**. ترجمه: احمد آرام، چاپ دوم، تهران: انتشارات شرکت سهامی انتشار.
- لوکاس، هنری. ۱۳۹۳. **تاریخ تمدن: از کهن ترین روزگار تا سده ما (جلد ۱)**، ترجمه: عبدالحسین آذرنگ، چاپ ششم، تهران: انتشارات سخن.
- متقی، افشین. قره یگی، مصیب. ۱۳۹۳. **واکاوی گفتمان ژئوپلیتیکی انقلاب اسلامی از نظرگاه های نظریه سازی سازه انگاری**. فصلنامه علمی پژوهشی-پژوهشنامه متین، دوره ۱۶، شماره ۶۴، ۱۵۱-۱۳۱.
- محمدی فر، محمد. بیات، علی. عرفان، امیر محسن. ۱۴۰۱. **نقش مدیریتی خواجه نصیرالدین طوسی در بحران تمدن اسلامی پس از حمله مغولان**، فصلنامه علمی پژوهشی-پژوهشنامه متین، دوره ۱۳، شماره ۴۷، ۳۴-۷.
- مختاری، محمدحسین. ۱۴۰۰. **شناسایی و تبیین الگوی تمدن نوین اسلامی براساس وصیت نامه سیاسی- الهی امام خمینی (ره)**. فصلنامه علمی پژوهشی-پژوهشنامه متین، دوره ۲۳، شماره ۹۳، ۱۶۷-۱۳۷.
- مقدسی، ابو عبدالله محمد بن احمد. ۱۳۶۱. **احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم**، ترجمه: علینقی منزوی، چاپ دوم، انتشارات کومش.
- منتظران جاوید، منتظران، زهرا. ۱۳۹۷. **تبیین و بررسی نقش انقلاب اسلامی در احیای تمدن نوین اسلامی**. مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، ایران-تهران، ۲۱-۱.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی